

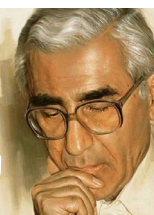
آفتاب حقوق

سه‌شنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۲ | سال دوم | شماره ۵۵ (آفتاب حقوقی به همراه روزنامه سراسری آفتاب بزد)

خطراتی

از استاد

امیرناصر کاتوزیان



صفحه ۳

خانم
قاضی!

هانیه پارسائیان



اتاق بیست متری ام دو درب ورودی دارد. یکی به سمت دفتر شعبه و یکی به سمت راهروی سالن. درب راهرو همیشه قفل است و من از درب ورودی دفتر ورود و خروج دارم. به همین خاطر معمولاً ارباب رجوع شعبه اطلاعی ندارد که ماهیت این در چیست؟ کارآموز کم سن و سال وکالت، با هول داخل شعبه می‌شود. نگاهی به اطراف می‌اندازد. نگاهش روی من قفل می‌شود. بین درب ورودی سالن که حتماً برای او هم ماهیتش مجهول است و منی که پشت میز نشسته‌ام، رفت و آمد می‌کند...

نحوه حمایت از حقوق

اشخاص دارای

معلومات و...

دکتر ابرج عزیزی

نادداشت-۱



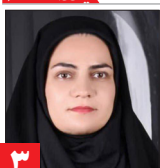
مدت زمان

پرداخت

غرامات پستی

عذرا خیر اندیش

نادداشت-۲



قطع درختان

بدون مجوز

وحید استدی

نادداشت-۴



حوادث

رانندگی

زهره رستمی

نادداشت-۵



اعلام نظر اداره

تشخیص هویت

در حکم کارشناس...

نگار کمال

نادداشت-۶



مسئولیت رانندگی

فاقد گواهینامه

سمیه ساریخانی

نادداشت-۷



رد مال

مسروقه

محمد رضا صدیقی

نادداشت-۸



خسارت متناظر

وارد به گران‌ترین

خودروی متعارف

مهدیه رعیتی

نادداشت-۹



اقتصادسازها و ذخایر ماهی برداشت؛ اما مانع بزرگ بر سر راه بسط این توافق هند بود. این کشور در تلاش بود تا با ایجاد حفره‌های بزرگ در قوانین مربوط به ماهیگیران خود، از تعهدات خود شانه خالی کند. در اواخر مذاکرات، صحنه‌های غم‌انگیزی رخ داد. گروهی از کشورهای جزیره‌ای اقیانوس آرام که به‌شدت از عدم پیشرفت توافق ماهیگیری متضرر می‌شدند، به‌شدت ناراحت و آشفته بودند. مانوئا کامیکامیکا؛ معاون نخست‌وزیر فیجی، به نمایندگی از این کشورها، ضمن قدردانی از حمایت کشورهایمانند ایالات متحده و چین و اعضای اتحادیه اروپا برای تمدید توافق، به‌طور معناداری از هند نام نبرد. این سکوت، گویای همه‌چیز بود. به نظر می‌رسد هند در حال تبدیل شدن به مانعی جدی برای پیشرفت برنامه‌های اصلی سازمان تجارت جهانی است. یک رسانه هندی در گزارشی به نقل از وزیر بازرگانی این کشور؛ پیوش گوئل، عنوان کرده است که هند هیچ منافع صادراتی در سازمان تجارت جهانی ندارد. این اظهار نظر، نگرانی‌هایی را در مورد تعهد هند به تجارت آزاد و چندجانبه برانگیخته است. کارشناسان و اندیشمندان در تلاش برای یافتن راه‌حلی برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی از طریق سازمان تجارت جهانی هستند. در این میان، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر معاون مدیرکل سازمان تجارت جهانی، قابل تحسین است، باین‌وجود هند با هرگونه اقدامی در این زمینه مخالفت کرده و حتی پیشنهاد برگزاری گفت‌وگوهای غیر الزام‌آور در مورد محیط‌زیست را نیز رد کرده است. گروهی دیگر از کشورهای با درآمد کم و متوسط با صدور بیانیه‌ای، خواستار توجه سازمان تجارت جهانی به مسائل زیست‌محیطی شدند، باین‌وجود به نظر می‌رسد این اقدام نتواند وتوی هند را تغییر دهد. هند در دفاع از منافع خود قاطعانه عمل می‌کند و نمونه اخیر آن، اخراج سفیر تایلند در پی اظهارات وی در خصوص احتکار غلات توسط هند و افزایش قیمت جهانی مواد غذایی بود.

ادامه در صفحه ۲

دکتر فرشید فرحناکیان
عضو هیئت‌مدیره
کانون وکلای مرکز



خود را برای دور جدیدی از مذاکرات آماده کنند که ممکن است به فروپاشی کامل روحیه همکاری در نظام تجارت چندجانبه منجر شود. تیفانی اسمیت؛ معاون امور سیاست تجارت جهانی در شورای تجارت خارجی ملی مستقر در واشنگتن، از عدم پیشرفت سازمان تجارت جهانی ابراز ناامیدی می‌کند. به عقیده او، مناقشات بی‌پایان بر سر مسائل فرعی، مانع از رسیدگی به مسائل مهم‌تر در دستور کار این سازمان شده و مشروعیت آن به‌عنوان تریبونی مفید برای وزاری تجارت را به خطر می‌اندازد.

در اجلاس اخیر سازمان تجارت جهانی در ابوظبی جای خالی توجه به محیط‌زیست، به‌ویژه تغییرات آب‌وهوایی، به‌شدت احساس می‌شود. این امر، تأسّف عمیق دوستداران محیط‌زیست را برانگیخت. عدم بسط توافق سال ۲۰۲۲ در زمینه محدودیت یارانه‌های شیلات در نشست اخیر، حسرت و تأسّف عمیقی را برجای گذاشت. براساس گزارشی از فایننشال تایمز؛ در میان انبوه اخبار ناامیدکننده، توافق ۲۰۲۲ سازمان تجارت جهانی در مورد حفاظت از ذخایر ماهی، امیدی تازه در دل دوستداران محیط‌زیست روشن کرده بود. این توافق، به‌جای تمرکز صرف بر افزایش دسترسی تجاری به بازار، با حفاظت از «کالاهای عمومی جهانی محیط‌زیستی» گامی مهم در جهت حفظ

کارآمدی سازمان تجارت جهانی در از میان برداشتن موانع تجاری، تضمین ثبات از طریق توافقات بین‌المللی و اجرای قوانین، پس از یک نشست آشفته و پرماجرای مقامات ارشد این سازمان، بار دیگر مورد تردید قرار گرفته است. گزارشی از بلومبرگ پرده از واقعیتی ناخوشایند در کنفرانس سیزدهم وزیران سازمان تجارت جهانی که در اسفندماه ۱۴۰۲ در ابوظبی برگزار شد، برداشت. مهدی ضیغمی؛ معاون وزیر و رئیس سازمان توسعه تجارت ایران و همچنین رضا عامری؛ سفیر ایران در امارات و برخی از مشاوران و مدیران ذی‌ربط وزارت صمت و وزارت امور خارجه در این کنفرانس عباس علی‌آبادی؛ وزیر صنعت، معدن و تجارت را همراهی کردند.

بر اساس این گزارش بلومبرگ، سازمان تجارت جهانی که برای تصمیم‌گیری نیازمند اجماع همه ۱۶۶ کشور عضو خود است، در کسب حتی کوچک‌ترین دستاوردها نیز ناکام ماند. در عصر حاضر که درگیری‌های مسلحانه، شکاف‌های ژئوپلیتیکی عمیق و بازآرایی روابط تجاری، نظم اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم را به چالش کشیده، دستیابی به موفقیت برای این سازمان دشوارتر شده است. مذاکرات اخیر در پایتخت امارات متحده عربی که از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئواقتصادی بین اتحادیه اروپا و آمریکا و همچنین ائتلاف چین و روسیه قرار دارد، در فضایی آشفته و نامشخص برگزار شد. این مذاکرات امیدها برای رسیدن به اتحادی پایدار در سال جاری را به‌سرعت از بین برد. در آستانه ششمین روز مذاکرات، در نیمه‌های شب جمعه، وزرا تنها بر سر تمدید تعلیق تعرفه‌های تجارت دیجیتال که از سال ۱۹۹۸ برقرار بود، به توافق

رسیدند. با این توافق، سازمان تجارت جهانی از لغو توافقی که به‌زعم فعالان اقتصادی، اینترنت جهانی را به مخاطره می‌انداخت، جلوگیری کرد و مخالفت هند، آفریقای جنوبی و اندونزی را پشت سر گذاشت؛ اما این توافق هم به‌آسانی حاصل نشد. دقایقی پیش از اعلام توافق موقت تجارت الکترونیک، مقامات اتحادیه اروپا به خبرنگاران هشدار دادند که



هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یک بار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک بار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.

اتحادهای غیرمعمول

در سیزدهمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی

ادامه از صفحه اول:

این اتفاق، نمونه‌ای از همبستگی نامطمئن «جنوب جهانی» است که چندان دور از انتظار هم نبود. حال باید دید که آیا تا بلند به اجلاس بعدی هند با عنوان «صدای جنوب جهانی» دعوت خواهد شد یا خیر؟ گوئل به‌درستی می‌گوید که کشورهای ثروتمند، به‌ویژه در زمینه عدم پایبندی به تعهدات مالی خود در توافق نامه پاریس ۲۰۱۵، رفتاری ریاکارانه در پیش گرفته‌اند. به نظر می‌رسد به‌رغم ضرورت مقابله با تغییرات آب‌وهوایی و حفظ محیط‌زیست، سیاست‌های تجارت چندجانبه همچنان این موضوع را نادیده می‌گیرند. خشم بروکسل (اتحادیه اروپا) و واشنگتن عمدتاً متوجه پیوش گوئل؛ وزیر تجارت هند، بود که در نیمه‌راه کنفرانس به جمع حاضران پیوست و به‌گفته برخی مقامات غربی، تمایل چندانی به انعطاف‌پذیری نشان نداد. او صراحتاً اعلام کرد که پرجمعیت‌ترین کشور جهان «هیچ چیز (فرصتی) را مسدود نخواهد کرد» و مدعی شد که از منافع فقرا در برابر قوانینی که سال‌ها برای حمایت از ثروتمندان وضع شده‌اند، دفاع می‌کند. هند در اتحادی با اندونزی و آفریقای جنوبی برای لغو تعلیق تعرفه‌های گمرکی بر تجارت الکترونیک تلاش می‌کند. این کشورها مدعی‌اند که با لغو این تعرفه‌ها، درآمد حاصل از گمرک طیف وسیعی از کالاها، از دانه‌دانه نرم‌افزار تا کتاب‌های الکترونیکی و بخش فیلم را از دست خواهند داد. به‌کارگیری چنین تاکتیک‌هایی، گویای تغییر توازن قدرت در اقتصاد جهانی به نفع آسیا است. اگرچه در ظاهر، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در تلاش برای مهار یارانه‌های مضر در دو بخش شیلات و کشاورزی بودند؛ اما در عمل، اقدامات آن‌ها به شکست این تلاش‌ها منجر شد. این یارانه‌ها به صید بی‌رویه ماهی و بی‌ثباتی در بازارهای جهانی غلات دامن می‌زنند. در سیزدهمین کنفرانس وزیران، همان‌طور که به این نشست لقب داده شد، اتحادهای غیرمعمولی شکل گرفت. برزیل و هند خود را در دو طرف مقابل بحثی در مورد تأمین و ذخیره‌سازی مواد غذایی توسط دولت دیدند که این یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای نسبت به ۲۰ سال پیش بود؛ زمانی که آن‌ها اتحادیه‌ای را تشکیل دادند که به یکی از بزرگ‌ترین شکاف‌های سازمان تجارت جهانی بین کشورهای ثروتمند و در حال توسعه تبدیل شد. چین در حالی که برخی دیگر از بازارهای نوظهور بزرگ با تمدید تعلیق تعرفه‌های تجارت دیجیتال مخالفت کردند به‌شدت از این طرح حمایت کرد. این موضع چین همسو با مواضع آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد این موضوع بود. کلی آن‌ها؛ از شرکت حقوقی هوگان لاولز و عضو سابق تیم تجارت و اقتصاد دولت دونالد ترامپ، می‌گوید که تقسیم‌بندی سنتی به کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دیگر کارایی سابق را ندارد. نگرانی آکنجو ایوه‌آلا؛ مدیرکل سازمان تجارت جهانی، اگرچه به عدم دستیابی کامل به اهدافشان اذعان کرد؛ اما از جلوگیری از فروپاشی کامل مذاکرات ابراز خرسندی کرد.

اتاق بازرگانی آمریکا، به‌عنوان حامی سرسخت کسب‌وکارهای آمریکایی، در پی جلسات امارات متحده عربی، اذعان کرد که دولت‌ها هنوز اراده سیاسی کافی برای پیشبرد اهداف موردنظر را نشان ندادند. موضوعی که هند آن را اولویت اصلی خود می‌دانست، همچنان لاینحل باقی ماند و آن‌هم یافتن راه‌حلی برای ارگان تجدیدنظر نهاد مستقر در ژنو بود. این ارگان، بخشی از سیستم حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی است که ایالات متحده خواهان اصلاح آن و نه احیای آن، است. به‌این ترتیب، امیدها برای اینکه این اولین کنفرانس وزیران، گامی در جهت اصلاحات جدی در سازمان تجارت جهانی باشد، در روز دوم به یاس تبدیل شد. یکی از جرقه‌های این نشست، اظهارات سفیر تايلند در سازمان تجارت جهانی، در جلسه‌ای غیرعلنی بود. وی با



زیر سؤال بردن درخواست برخی کشورها برای تسهیل قوانین یارانه در زمینه ذخیره‌سازی دولتی غلات به بهانه امنیت غذایی، سیاست مذکور را به چالش کشید. این در حالی بود که او به‌طور ضمنی این کشورها را به صادرات غلات خریداری‌شده با قیمت‌های از پیش تعیین‌شده برای تصاحب بازار متهم می‌کرد. این مطلب را افراد مطلع بیان کرده‌اند. سخنان سفیر تايلند با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. نمایندگان برخی از کشورها با او ابراز همبستگی کرده و او را مورد تشویق قرار دادند؛ اما این سخنان خشم نمایندگان هند را برانگیخت. آن‌ها لحن سفیر تايلند را نسبت به پرجمعیت‌ترین کشور جهان نا محترمانه می‌دانستند. وزارت امور خارجه هند در پی اظهارات سفیر تايلند، مراتب نگرانی خود را به همتای تايلندی خود ابلاغ کرد. دهلی‌نو با این استدلال که سخنان سفیر بیشتر بیانگر دیدگاه شخصی او و نه موضع رسمی تايلند در قبال این موضوع است، خواهان توضیحات رسمی شد. دولت تايلند در پی این اظهارات، نامه عذرخواهی به هند ارسال کرد، با این وجود مشخص نشد که آیا سفیر تايلند در سازمان تجارت جهانی، به دلیل این سخنان توبیخ شده است یا خیر. مقامات هندی که خواستند نامشان فاش نشود، گفتند که او پس از اظهارات جنجالی خود به وزارت امور خارجه تايلند فراخوانده شده است.

مشخص است که بوروکرات‌ها به حفظ و بقای تجارت جهانی در سطحی چندجانبه، کمک چشمگیری نخواهند کرد. به نظر می‌رسد محرک اصلی تجارت جهانی در آینده، از جانب دو گروه خواهد بود: اول کسب‌وکارهای بین‌المللی و دوم کشورهای طرفدار تجارت آزاد که هریک به‌نوبه خود، تمام تلاش خود را برای رونق و پویایی این عرصه به کار خواهند گرفت. در کنفرانس اخیر، گفت‌وگوهای تجار در میان مباحثات، شورونشاط و جذابیت خاصی داشت. ناامیدی عمیق آن‌ها از عملکرد دولت‌ها مشهود بود، اما درعین حال، خوش‌بینی قابل توجهی نسبت به توانایی شبکه‌های ارزش در عبور از چالش‌های ژئوپلیتیکی به چشم می‌آمد. نمونه‌ای بارز و گویا، درست در آن سوی شبه‌جزیره عربستان خودنمایی می‌کند. انسداد دریای سرخ که قریب به سه ماه از آن می‌گذرد، با وجود نگرانی‌ها، نتوانسته است تجارت جهانی را به‌طور قابل توجهی فلج کند. پروفیسور سایمون ایونت؛ از دانشگاه سنت گالن و از منتقدان سرسخت پیش‌بینی‌های منفی در مورد تجارت، به‌تازگی مقاله‌ای منتشر کرده است که بر پایه گفت‌وگو با ۱۳ مدیر ارشد از کسب‌وکارهای بین‌المللی نگاشته شده است. این مقاله ضمن تبیین تعاریف متنوع مدیران از «ژئوپلیتیک» (که برخی از آن‌ها در مقایسه با مفهوم رایج در رسانه‌ها، کمتر جنبه هستی‌شناسانه دارند)، نشان می‌دهد که این مدیران روش‌های مختلفی را برای مقابله با چالش‌های ژئوپلیتیکی کشف کرده‌اند و می‌توانند عملکرد خود را بیش‌ازپیش ارتقا دهند. در مورد نقش دولت‌ها در سازمان تجارت جهانی، باید اذعان کرد که تا زمانی که تعداد معدودی از کشورهای بزرگ به این سازمان متعهد نباشند، پیشرفت

چندانی حاصل نخواهد شد. این موضوع فقط به هند محدود نمی‌شود، بلکه شامل سایر کشورهای بزرگ نیز می‌شود. نگاه ایالات متحده به این نهاد، به‌درستی در عمل‌کننده تجاری این کشور خلاصه شد، آنجا که جلسه وزیران را پیش از موعد ترک کرد. با وجود هیاهوی واشنگتن درباره مخالفت‌ها با تجارت آزاد در سطح جهانی، ایالات متحده در باطن انزجار عمیقی از جهانی‌سازی دارد. حتی هند نیز که بازیگری همراه محسوب نمی‌شود، برخی توافقاتی دوجانبه هرچند کم‌اهمیت را امضا کرده است.

آینده تجارت جهانی در کوتاه‌مدت چندان روشن به نظر نمی‌رسد. برگزاری انتخابات در بیش از ۶۰ کشور در سال ۲۰۲۴، احتمالاً به افزایش سیاست‌های حمایت‌گرایانه و تمرکز بر مسائل داخلی خواهد انجامید. علاوه بر این، جنگ در اوکراین و غزه نیز جریان تجارت کالا و خدمات را مختل کرده و بر چالش‌های پیش‌روی تجارت جهانی افزوده‌اند. هند در حال نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات احتمالی در ماه آوریل است. پیش‌بینی می‌شود که حزب بهاراتیا جاناتا به رهبری نخست‌وزیر نارندرا مودی برای سومین بار پیروز میدان شود، از این‌رو موضع گوئل در مورد یارانه‌های کشاورزی در کنفرانس وزیران، از دیدگاه حداقل یک شرکت‌کننده، دارای ابعاد سیاسی است، چراکه کشاورزان (که برخی از آن‌ها در هفته‌های اخیر تجمعات اعتراضی برپا کرده‌اند) بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. مقامات سازمان تجارت جهانی علاوه بر موارد ذکرشده، نگران انتخابات ایالات متحده در ماه نوامبر ۲۰۲۴ نیز بودند. در این انتخابات ترامپ، رئیس‌جمهور سابق، در تلاش است تا جو بایدن، رئیس‌جمهور فعلی را از کرسی ریاست‌جمهوری برکنار کند. ترامپ در مصاحبه‌ای تهدید کرد که اگر اوضاع بهتر نشود ایالات متحده را از سازمان تجارت جهانی خارج می‌کند. او اخیراً در سفرهای خود به سراسر آمریکا، وعده‌هایی مبنی بر وضع مالیات ۱۰ درصدی بر تمام واردات یا حداقل تعرفه ۶۰ درصدی بر تمام واردات از چین داده است. این پیشنهادها که در تاریخ نظام تجارت چندجانبه بی‌سابقه هستند، عملاً به نابودی سازمان تجارت جهانی منجر خواهد شد. مالزی که چین و ایالات متحده را از جمله شرکای تجاری اصلی خود می‌داند، برای آماده شدن برای آینده، در حال تلاش برای تنوع‌بخشی به روابط تجاری خود است. این کشور از طریق ابتکارات منطقه‌ای مانند شراکت جامع و پیشرو ترنس-پاسیفیک (CPTPP) و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) که شامل چین نیز می‌شود، به دنبال گسترش روابط تجاری خود با سایر کشورها است. علاوه بر این، مالزی در حال مذاکره با بلوک‌های تجاری مانند اتحادیه اروپا است تا به توافقاتی تجاری جدید دست یابد. زافرول عبدالعزیز؛ وزیر اقتصاد مالزی، در مصاحبه‌ای، به‌وجود نگرانی‌هایی در خصوص افزایش موانع تجاری اشاره و بر لزوم توجه به این موضوع تأکید کرد.

انگوزی اوکونجو-ایویالا؛ دبیرکل سازمان تجارت جهانی، بر این نظر است که کشورهای ثروتمند اکنون دست به‌عالی‌ترین سطوح تزویر می‌زنند. جهان غرب پس از دهه‌ها ترغیب کشورهای در حال توسعه برای آزادسازی و مشارکت در اقتصاد جهانی باز و همچنین سرزنش کشورها برای حمایت‌گرایی، پرداخت یارانه و سیاست‌های دستوری صنعتی، اکنون از انجام آنچه مدت‌ها خود موعظه آن را کرده، خودداری می‌کند. کشورهای ثروتمندی که تحت چنین نظامی به ثروت و قدرت رسیده‌اند، اکنون تصمیم گرفته‌اند تا این نردبان ترقی را از زیر پای کشورهای دیگر بکشند. خانم اوکونجو-ایویالا گفته: «آن‌ها اکنون دیگر نمی‌خواهند در یک زمین‌بازی برابر رقابت کنند و در عوض ترجیح می‌دهند به یک نظام مبتنی بر قدرت به‌جای یک نظام مبتنی بر قوانین روی آورند».

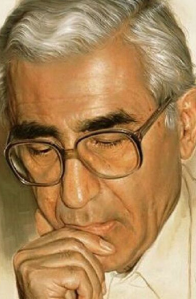
عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رای نماید.

یادداشت حقوقی

سه‌شنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۵۵

خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصر کاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری» ۳۰

شبی در مجلسی با حضور تنی چند از شعرا و هنرمندان که استاد شجریان نیز حضور داشته‌اند به اصرار دوستان چند غزل از دیوان اشعاری که به دلایلی هنوز آن را منتشر نکرده‌ام خواندم و مورد تشویق حاضرین قرار گرفتم در مسیر برگشت استاد گفت که همواره هنرمندان و شاعران در زمانی که می‌زیستند ناشناخته بودند و مردم هم عصر آنان قدر و مرتبه آنان را نمی‌دانستند ولی بدان با این اشعاری که امشب خواندی من یقین دارم که ۸۰۰ سال بعد اگر اسمی از من مانده باشد فقط به این دلیل است که ذکر از نام من در اشعار تو شده باشد همانطور که نام بسیاری از افرادی که حافظ نام آنان را ذکر کرده فقط ما به این دلیل می‌شناسیم که نام‌شان در دیوان هست و این واقعیتی است که هر کسی قادر به درک آن نیست.

یادداشت حقوقی

اعلام نظر اداره تشخیص هویت در حکم کارشناس رسمی دادگستری است



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

برابر قانون دادگاه‌ها موظف هستند در صورت ضرورت، دقت در سند، تطبیق خط، امضا، اثر انگشت یا مهر سند را به کارشناس رسمی یا اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل که مورد وثوق دادگاه باشند، ارجاع نماید. اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل، هنگام اعلام نظر به دادگاه ارجاع کننده، باید هویت و مشخصات کسی را که در اعلام نظر دخالت مستقیم داشته است معرفی نماید. شخص یادشده از جهت مسئولیت و نیز موارد رد، در حکم کارشناس رسمی می‌باشد.

یادداشت حقوقی

قطع درختان بدون مجوز



وحید استادی
حقوقدان

مطابق ماده ۶ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها اصلاحی ۱۳۸۷ و با لحاظ تصویب‌نامه تعدیل میزان مبالغ مجازات نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف مصوب ۱۳۹۹ هیئت دولت: «هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالما و عمدا و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

طلاق به‌خاطر زندگی در فضای مجازی



گروه حوادث: صبح یکی از روزهای آخرین ماه سال در حالی که بسیاری از خانواده‌ها به دنبال خانه تکانی و خریدهای شب عید بودند تا با شادی و آرامش به استقبال نوروز بروند زوج جوانی پشت در یکی از شعبه‌های مجتمع قضایی خانواده در آستانه جدایی به انتظار ایستاده بودند.

نیمه ۲۴ ساله و سارا ۲۲ ساله با برگه ابلاغیه‌ای در دست پشت در یکی از شعبه‌ها در انتظار زمان رسیدگی به پرونده‌شان بودند.

دقایقی بعد مدیر دفتر آنها را به داخل شعبه فراخواند. با اجازه قاضی وارد شعبه شدند و با چند صندلی فاصله از هم روبه‌روی قاضی نشستند.

لحظاتی بعد و در حالی که قاضی جزئیات دادخواست را بررسی می‌کرد نیمه بدون مقدمه گفت: آقای قاضی از دست این زن خسته شدم هنوز یک‌سال از زندگی مشترک‌مان نگذشته اما ببینید به کجا رسیدم که ترجیح دادم مسیرمان را از هم جدا کنیم.

قاضی سرش را بالا آورد و گفت: از چی خسته شدی؟ آرام و کامل توضیح بده ببینم مشکل شما چیست؟

نیمه گفت: یک‌سال و نیم پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی با صفحه مجازی سارا آشنا شدم. آنقدر حرف‌های قشنگ و جملات زیبایی نوشته بود که ناخودآگاه فکر کردم اگر با او زندگی کنم خوشبخت‌ترین مرد روی زمین هستم. یک روز که او همه دنبال‌کننده‌هایش در فضای مجازی را به نمایشگاه نقاشی دوستش دعوت کرده بود با خودم گفتم این بهترین فرصت برای آشنایی با سارا است به نمایشگاه رفتم و همانجا نخستین دیدار رقم خورد و کم‌کم شریات دوستی‌مان مهیا شد. چند ماهی باهم دوست بودیم. باور کنید آن چند ماه بهترین روزهای زندگی‌ام بود به یقین رسیدم که او نیمه گمشده من است و خیلی زود باهم ازدواج کردیم. اما بعد از اینکه زیر یک سقف رفتیم تازه فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام. قاضی حرف‌های نیمه را قطع کرد و از سارا پرسید: شما حرف‌های همسرتان را قبول دارید؟

دختر جوان جواب داد: همسر من عادت دارد که همه موضوعات را بزرگ جلوه دهد. مشکل ما این است که او مخالف پیشرفت من است و تلاش می‌کند در گذشته بماند. من هم در این مدت فهمیدم زندگی کردن با چنین آدمی چقدر سخت است اما چون دوستش داشتم تحمل کردم. آقای قاضی همسر من می‌خواهد که همه فعالیت‌هایم را در فضای مجازی تعطیل کنم در حالی که او من را از

ابتدا می‌شناخت و می‌دانست که من برای کارم در فضای مجازی ارزش زیادی قائلم و نمی‌توانم حرف‌هایش را بپذیرم. من با پیام‌های دنبال‌کننده‌هایم زندگی می‌کنم اما همسر من اصرار می‌کند که پیام‌هایم را ببندم و پستی هم نگذارم که برایم قابل درک نیست. دقیقا مثل یک اسیر با من رفتار می‌کند و اگر بخواهد به رفتارهایش ادامه دهد ترجیح می‌دهم دیگر با او زندگی نکنم.

نیمه به یکباره حرف‌های همسرش را قطع کرد و گفت: تو در این یک‌سال و نیم که از آشنایی و ازدواج‌مان می‌گذرد فقط به دنبال جذب و افزایش دنبال‌کننده‌های صفحه‌ات بودی. اصلا فراموش کرده‌ای که من هم هستم. تمام مسائل خصوصی خانه ما ظرف چند دقیقه برای دنبال‌کننده‌های سارا عمومی می‌شود و من دیگر تحمل آن را ندارم. جناب قاضی شاید باورناتان نشود این خیلی شرم‌آور است اما من حتی وقتی یک لباس راحتی می‌خرم همه از رنگ و مدل آن باخبر می‌شوند! بعضی اوقات فکر می‌کنم حریم خصوصی برای همسر من تعریف نشده است و برای آخرین بار جلوی شما می‌گویم که یا باید شیوه زندگی‌اش را عوض کند و اگر نمی‌تواند همین‌جا از هم جدا شویم بهتر است. قاضی چند لحظه‌ای فکر کرد و گفت: دغدغه‌های حاشیه‌ای زندگی شما سبب شده تا از ماهیت زندگی مشترک‌تان دور شوید.

شما ابتدا باید به کلاس‌های مشاوره بروید و اگر مشکل‌تان حل نشد آن‌وقت تصمیم دیگری می‌گیرم.

کارشناس حقوقی

امیر حسین صفدری: بی‌توجهی به مؤلفه‌های متعددی همچون شناخت کافی، آشنایی صحیح، درک متقابل، مسئولیت‌پذیری و وابستگی شدید به فضای مجازی باعث ایجاد تنش در زندگی این زوج شده است. این زوج جوان برای حفظ زندگی‌شان باید ابتدا حد و مرزهای حریم شخصی مشترک‌شان را مشخص کنند و سپس با تعامل و گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز به نقطه درستی برسند.

درست است که همسر این مرد مقصر است اما خودش هم بی‌تقصیر نیست او می‌دانسته همسرش وابستگی زیادی به فضای مجازی دارد و باید قبل از ازدواج این مشکل را حل می‌کرد و به او می‌گفت که با این سبک زندگی مشکل دارد و بعد وارد زندگی مشترک می‌شدند! روزنامه ایران

یادداشت حقوقی

مدت زمان پرداخت غرامات پستی



عذرا خیر اندیش
کارآموز کانون
وکلای دادگستری

۲- در مورد غرامات و خسارات مرسولات داخله به خارج یا برعکس بر اساس بند ۷-۲ ماده ۲۴ «قانون تصویب احکام و مصوبات بیست و پنجمین کنگره اتحادیه جهانی پست (منعقد شده در دوحه - ۲۰۱۲ میلادی)» که در مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده است مقرر شده است که «اگر فرستنده در یک مهلت شش ماهه از تاریخ فردای روز تحویل مرسوله به پست پیگیری نکرده باشد کشورهای عضو و مجریان منتخب مسؤولیتی ندارند.»

سوال:

حداکثر زمان دریافت غرامات و خسارات به مالکان مرسولات چه میزان می‌باشد؟

پاسخ:

۱- به موجب ماده ۴۷ قانون پستی مصوب سال ۱۳۹۴ «تمام حقوق و غراماتی که راجع به مرسولات داخله به داخله است باید در ظرف یک سال که ابتدای آن روز تحویل امانات و مرسولات به پست خانه است مطالبه شود پس از انقضای یک سال صاحبان آن حق مطالبه نخواهند داشت.»

ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری

در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

الف – مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تاهل او

ب – آزاد، تحت قرار تامین یا نظارت قضائی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت

پ – نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه

● سه‌شنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۲● سال دوم ● شماره ۵۵



معرفی کتاب

کتاب رویکرد حبس زدایی در قانون مجازات اسلامی

کتاب «رویکرد حبس زدایی در قانون مجازات اسلامی» نوشته لایلا آزین پارسا وکیل پایه یک دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، این کتاب در ۱۵۳ صفحه توسط انتشارات خط آخر در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه چاپ و در کتابفروشی‌های سراسر کشور در دسترس عموم قرار گرفته است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

چرایی جایگزین‌های حبس

اما چرا جایگزین‌های حبس؛ این موضوع به نظر از دو بعد قابل بحث است؛ اول اینکه ناکارآمدی حبس با عنایت به مشکلات اقتصادی اجتماعی فرهنگی و... که در منابع همایش و نشست‌های رسمی و غیررسمی مکرراً مطرح گردیده و به لحاظ قابلیت و ایجاد زمینه وقوع جرم نزد محکوم و یا سایر اطرافیان در واقع دور باطلی را در تکرار و یا وقوع جرم در آتیه پدید می‌آورد؛ دوم اینکه اگرچه در حقوق کیفری داعیه لازم‌الرعایه بودن اصل شخصی بودن و فردی کردن کیفر و تناسب میان جرم و مجازات را داریم اما تحقق این ایده آل‌ها با سیاست کیفری فعلی دور از انتظار به نظر می‌رسد چون قدر مسلم کیفر حبس به دلیل تبعات آن که علاوه بر محکوم اطرافیان را نیز دربرمی گیرد مغایر با اصل شخصی بودن مجازات می‌باشد و اگر چه نمی‌توان خوشبین بود که این اصل در مصادق یا مصادیق دیگر واکنش‌های کیفری به طور کامل قابل تحمیل باشد، اما تامین هر چه بیشتر این اصل ضروری می‌باشد. همچنین تضمین اصل فردی کردن مجازات با توجه به پیچیدگی‌های روحی- روانی افراد که مبنای رفتار انسانی می‌باشد با امعان نظر به زرادخانه محدود کیفری به نظر می‌رسد دور از دسترس باشد.

و نهایتاً اصل تناسب میان جرم و مجازات که قانونگذار در حقوق کیفری با پیش‌بینی حداقل و حداکثر مجازات درصدد رعایت آن بوده است به اعتقاد نگارنده بیش از آن که ناظر مشکلی آن باشد می‌بایست با توجه به ماهیت و وقوع جرم ملحوظ نظر قرار گیرد و در واقع با تمهیدات مقتضی و باز گذاردن دست قاضی در انتخاب ابزارهای متناسب با موضوع و یا اساساً با اتکا به امر کارشناسی و یافتن واکنش‌های کیفری و یا غیرکیفری از سنخ جرم، پاسخ در قوانین پیش‌بینی گردد.



➡ **ادامه از صفحه قبل**

ت -ادله انتساب اتهام

ث -مستند قانونی اتهام

ج - سابقه محکومیت موثر کیفری متهم

چ - خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم تبصره - هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می‌کند

ادامه در صفحه بعد ➡

معرفی کتاب

«دادگاه ها و دادرسی تجاری در نظام قضایی ایران»

شدن دید قضات»، و یا «مدیریت مطلوب تعارض منافع» و «جلوگیری از تبدیل دادگاه به مرجع صنفی» در تضاد قرار دارد. علی‌رغم مراتب فوق، تفکیک میان دعاوی تجاری از لحاظ ارزش خواسته و یا پیچیدگی دعوا از مصادیق تعریف صلاحیت نسبی برای دادگاه های تجاری است و می‌تواند در صورت طراحی سازوکارهای کارآمد برای کانالیزه کردن دعاوی ساده و کم حجم در عملکرد مطلوب این دادگاه ها موثر واقع شود.

تشکیلات دادگاه: از جمله موضوعات مهم در خصوص ترکیب دادگاه تجاری، تصمیم گیری در خصوص وحدت یا تعدد قضات این محاکم است. درحالی‌که لایحهٔ آیین دادرسی تجاری، روش وحدت قاضی را پذیرفته، پیشنهاد می‌شود میان دعاوی از حیث پیچیدگی و ارزش خواسته تفکیک شده و روش تعدد قاضی در برخی موارد بکار گرفته شود. همچنین، پیشنهاد می‌گردد اولاً مشاور حق رأی داشته و ثانیاً و بنا بر اقتضات دادرسی منصفانه، طرفین دعوا بتوانند به نظرات مشاور نزد دادگاه اعتراض نمایند. سرانجام، پیشنهاد می‌شود با توجه به اصول و ملاحظات سیاست گذاری مربوطه از جمله حفظ انسجام دستگاه دادگستری، جلوگیری از نخبه گرایی قضایی، حفظ جامع نگرى قضات و مدیریت تعارض منافع، قضات دادگاه های تجاری به صورت ادواری و چرخشی در محاکم عمومی نیز فعالیت نمایند و کمیسیون های مشترک قضایی با حضور قضات دادگاه های تجاری و محاکم عمومی تشکیل شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به لزوم حفظ ارتباط ساختاری بسا بخش خصوصی یک «شورای راهبردی دادگاه های تجاری» به عنوان حلقهٔ واسط میان قوهٔ قضاییه و فعالان اقتصادی در تشکیلات قضایی و سازمانی این دادگاه ها ایجاد شود تا در تدوین اصول راهنما و بهترین رویه ها برای عملیات دادگاه های تجاری و نیز لوابح مربوط به حقوق تجارت مشارکت کند و طراحی و پیاده سازی نظام جامع آموزش و توانمندسازی قضات دادگاه های تجاری را برعهده گیرد.

ابتکارات فرایندی: برخی سازوکارهای پیشنهادی که می‌تواند در بهبود کارآمدی رسیدگی ها در دادگاه تجاری موثر واقع شوند عبارت اند از پیش بینی مرحلهٔ پیشامحاکمه و قاضی آماده ساز پرونده، امکان تراضی طرفین برخلاف مقررات دادرسی، امکان طراحی و اجرای قرارنامه توسط دادرس، پیاده سازی شیوه های جایگزین حل وفصل اختلافات تحت نظارت دادگاه، ایداع درخواست سازش و پیشنهاد حکم. اقدامات توسعهٔ قضایی: این اقدامات، شامل تحول در شیوهٔ آموزش و توانمندسازی قضات، تخصصی کردن وکالت در دعاوی تجاری، بکارگیری دانشجویان حقوق به عنوان کارآموز و دستیار دادگاه، برگزاری مسابقات دادگاه مجازی (موت کورت) تجاری، انتشار منظم و ادواری گزارش ها، نظرات و آرای دادگاه و بهره گیری حداکثری از فناوری های نوین و دیجیتال در مدیریت دعاوی، می‌توانند در عملکرد بهینهٔ دادگاه های تجاری تاثیرگذار باشند.

مطالب پیش گفته، گزیده ای از مطالبی است که در کتاب «دادگاه ها و دادرسی تجاری در نظام قضایی ایران» به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسندگان در این کتاب تلاش کرده‌اند تصویری جامع از نحوه راه اندازی و عملیات دادگاه ها و دادرسی تجاری ترسیم نمایند. امید است این پژوهش، سهمی هر چند کوچک در هموارتر کردن مسیر پیش روی دادگاه های تجاری در کشورمان ایفا نماید.

ورشکستگی در لایحه تعیین تکلیف شود. به نوحیه احراز ورشکستگی در دادگاه تجاری انجام شده و شکایت در محاکم کیفری صرفاً بعد از صدور حکم دادگاه تجاری، امکان پذیر باشد.

مدل مطلوب صلاحیت شخصی: در تعریف این نوع صلاحیت برای دادگاه های تجاری باید توجه داشت از یک سو، علت اولیهٔ راه اندازی دادگاه تجاری، رسیدگی به دعاوی تجاری است و دعاوی مذکور نیز علی‌القاعده میان التزام مخارج می‌دهد. از سوی دیگر، همهٔ دعاوی میان تجار الزاماً ماهیت تجاری ندارند و با وجود حکم مادهٔ ۳ قانون تجارت که کلیهٔ معاملات میان تاجر را به اعتبار شخصیت طرفین آن ها تجاری دانسته، در عمل بسیاری از معاملات میان تاجر، فاقد ماهیت تجاری است. اگرچه در مجموع مدل بی‌نقصی برای تعیین صلاحیت شخصی دادگاه های تجاری وجود ندارد اما می‌توان با لحاظ اصول و اهداف دادگاه تجاری، مدل مطلوب صلاحیتی آن را اینگونه ترسیم نمود که (۱) دعاوی که هر دو طرف آن‌ها تاجر است، فارغ از ماهیت تجاری یا غیرتجاری معامله، و (۲) دعاوی بین اشخاص تاجر و غیرتاجر، منوط به آنکه ماهیت معامله هم برای تاجر و هم شخص غیرتاجر، تجاری بوده و شخص غیرتاجر به رسیدگی به دعوا در دادگاه تجاری اعتراض نکرده باشد، در صلاحیت دادگاه تجاری باشد. مطابق این مدل، در مواردی که معامله نسبت به تاجر، تجاری است و معامله هم برای تاجر و هم شخص غیرتاجر، تجاری بوده و شخص غیرتاجر به رسیدگی به دعوا در دادگاه تجاری اعتراض نکرده باشد، در صلاحیت دادگاه تجاری باشد. مطابق این مدل، در مواردی که معامله نسبت به تاجر، تجاری است و معامله هم برای تاجر و هم شخص غیرتاجر، طرف غیرتاجر میان مراجعه به دادگاه تجاری یا عمومی حق انتخاب خواهد داشت. البته تاجر ناگزیر از طرح دعوا در دادگاه تجاری است زیرا شخص مذکور هم تاجر است و هم معامله نسبت به او تجاری است. اما طرف غیرتاجر اولاً می‌تواند دعوا را از آغاز در دادگاه عمومی طرح نماید و در صورت طرح دعوا در دادگاه تجاری از سوی شخص تاجر، مثلاً از طریق ایراد صلاحیت از دادگاه تجاری بخواهد موضوع را به دادگاه عمومی ارجاع دهد.

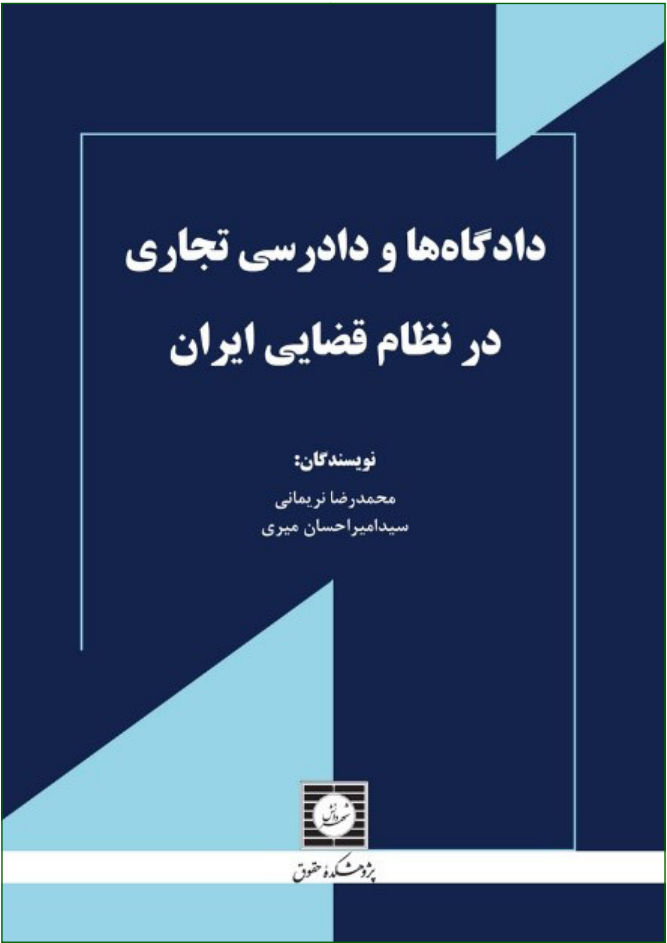
مدل مطلوب صلاحیت محلی: مطابق با مادهٔ ۸ لایحهٔ آیین دادرسی تجاری، معیار لایحه برای ایجاد دادگاه تجاری، تقسیمات اداری مرسوم است. بنابراین مطابق با لایحه، این فعالیت تجاری و میزان آن نیست که صلاحیت دادگاه در هر منطقه را توجیه می‌نماید بلکه در هر حوزهٔ قضایی باید شعبه ای از دادگاه تاسیس گردد. این معیار دارای اشکال است چرا که ممکن است تمرکز فعالیت تجاری اقتضا کند که دادگاه تجاری در خارج از مرکز استان، مثلاً در مناطق آزاد تجاری و یا مناطق ویژهٔ اقتصادی راه اندازی شود. البته مطابق با مادهٔ ۸ لایحه، رییس قوهٔ قضاییه می‌تواند بر اساس ضرورت در حوزهٔ قضایی دیگری غیر از مرکز استان، دادگاه را ایجاد نماید که این ضرورت نیز باید ضرورت فعالیت های تجاری تلقی گردد. مدل مطلوب صلاحیت نسبی: علی‌رغم آنکه لایحهٔ آیین دادرسی تجاری امکان تعیین صلاحیت نسبی بر اساس موضوع دعاوی (مانند حمل و نقل، بیمه، ورشکستگی و غیره) در دادگاه تجاری را پیش بینی کرده است، این شیوه از تعریف صلاحیت نسبی قابل دفاع نیست. اولاً، دعاوی تجاری خود گونه ای خاص از مجموعه دعاوی حقوقی محسوب شده و با درنظر داشتن این امر که راه اندازی دادگاه تجاری خود اساساً منوط به نیازسنجی و بررسی آماری از حیث حجم و تعداد این گونه دعاوی است، انتخاب چنین رویکردی قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. ثانیاً، چنین رویکردی که به عنوان «تخصص در تخصص» نیز شناخته شده، با بسیاری از اصول و ملاحظات سیاست گذاری از جمله «اصل جلوگیری از محدود

دارد. ثالثاً، اختصاصی کردن دادگاه ها اصولاً منجر به کاهش انعطاف پذیری سیستم قضایی و به تبع آن، کارآمدی قضایی می‌گردد چراکه در مواقع بروز نوسان در حجم کار یک بخش از دستگاه قضایی نمی‌توان از ظرفیت دیگر بخش ها در پیشبرد امور استفاده کرد. رابعاً، رعایت «اصل جلوگیری از محدود شدن دید قضات» با تخصصی بودن دادگاه تجاری مطابقت بیشتری دارد زیرا تخصصی بودن دادگاه تجاری متضمن امکان قانونی ارجاع سایر پرونده ها به آن است.

مدل مطلوب صلاحیت موضوعی: لایحهٔ آیین دادرسی تجاری و نیز دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی دعاوی تجاری تهران در تبیین انواع صلاحیت موضوعی، شخصی، محلی و نسبی با

انتقادات متعددی مواجه است، به ویژه آنکه دو متن مذکور در تعریف قلمروی موضوعی دادگاه های تجاری، سنخیتی با یکدیگر نداشته و به وضوح حاکی از فقدان سیاست تقنینی و قضایی منسجم در این زمینه می‌باشد. صلاحیت موضوعی دادگاه باید به نحوی تبیین شود که:

اولاً، ضمن رعایت اصل تمرکز امور قضایی در دادگستری، از تراکم دعاوی نزد دادگاه های مذکور جلوگیری شود. بنابراین در صورت عملکرد مطلوب مراجع شبه قضایی (مانند هیئت داوری بورس) در رسیدگی به امور و دعاوی بخش های مشخصی از حوزه تجارت، صلاحیت آنها همچنان حفظ شود. ثانیاً، در تبیین صلاحیت موضوعی دادگاه تجاری باید به محدودیت های این دادگاه و اعضای آن توجه داشت. در واقع، پیچیدگی برخی دعاوی و اقدامات توسعه قضایی، از جمله مولفه های قضات و حضور مشاور هم بعید است رسیدگی دادگاه تجاری به آن ها منجر به نتایج مطلوب از حیث بهبود کارآمدی قضایی و کیفیت آرا شود. از جملهٔ اینن دعاوی می‌توان به دعاوی ناشی از قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد که رسیدگی به آن ها در صلاحیت شورای رقابت است. سپردن این دعاوی به دادگاه های تجاری (بند ۱۰ لایحهٔ آیین دادرسی تجاری)، معقول به نظر نمی‌رسد. ثالثاً، یکی از لوازم «اصل مدیریت ناکارآمدی‌های صلاحیتی»، جلوگیری از تقسیم صلاحیت دادگاه با سایر مراجع است. دعاوی ورشکستگی با توجه به ابعاد کیفری احتمالی آن در موارد ورشکستگی به ثقل و تقصیر، می‌تواند رعایت اصل فوق را با چالش مواجه کند. بنابراین، باید حیطهٔ صلاحیتی دادگاه های تجاری و عمومی کیفری در خصوص دعاوی



نامطلوب تخصص گرایی قضایی در عرصهٔ دادگاه های تجاری جلوگیری کرد یا دست کم از آثار سوء آن کاست. رعایت حداقل گرایی در تشکیلات سازمانی دادگستری، رعایت صرفهٔ اقتصادی در کشور، به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند و حوزهٔ حقوق تجارت در ایران را از جمله عرصه‌هایی می‌دانند «تخصص گرایی قضایی» در آن به چشم می‌خورد. افزایش کارآمدی سیستم قضایی، کاهش مدت زمان رسیدگی ها، کاهش هزینه های اصحاب دعوا، بهبود مدیریت پرونده توسط دادگاه، بهبود کیفیت آرا از لحاظ حکمی و موضوعی، افزایش پیش بینی پذیری و یکپارچگی آرا و نیز افزایش انعطاف پذیری دستگاه قضایی از جمله دلایل موجهه برای به کارگیری رویکرد تخصص گرایی قضایی در حوزه دعاوی و اختلافات تجاری است.

نظام قضایی ایران قبلاً و هرچند کوتاه، بخت خود را در خصوص تخصص گرایی در حوزهٔ حقوق تجارت، آزموده است. محاکم تجارت بین سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ در ایران فعال بوده اند اما به دلایلی از جمله فقدان قضات متخصص و باتجربه در این حوزه و نیز نقص متون قانونی منسجم و کارآمد کنار گذاشته شدند. احیای دادگاه های تجاری در نظام قضایی ایران بیش از یک دهه است که بار دیگر، ذهن سیاست گذاران تقنینی و قضایی کشور را به خود مشغول ساخته و مطابق با اسناد بالادستی قضایی کشور، راه اندازی این دادگاه ها از جمله مولفه های اصلی سیاست های کلان قضایی در

ایران به شمار می‌رود. با وجود این، تنها گام عملی در راستای راه اندازی دادگاه های تجاری را می‌توان در «دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران» مصوب سال ۱۳۹۹ سراغ داد. به موجب این دستورالعمل، دادگاه های تجاری به عنوان شعبی از دادگاه های عمومی حقوقی، و دست کم در تهران راه اندازی و عملیاتی شده اند.

با این همه، دستورالعمل مذکور بدون رعایت اصول، ملاحظات سیاست گذاری و بایسته های ناظر بر تشکیل و عملیات دادگاه‌های تجاری اجرایی شده و نقایص و معایب آن به نحوی است که نه تنها این دادگاه ها را در حصول به اهداف خود با موانع زیادی روبرو می‌کند، بلکه ادامهٔ فعالیت آن ها را نیز با چالش های عمده مواجه خواهد کرد. به علاوه، سیاست گذاری تقنینی و قضایی منسجمی نیز در این خصوص به چشم نمی‌خورد. موفقیت دادگاه های تجاری در تحقق اهداف خود یعنی

رسیدگی سریع، دقیق و تخصصی به دعاوی و امور تجاری، مستلزم بهره مندی از یک چارچوب نظری و پیاده سازی سازوکارهای عملی است. این وجه از مساله تاکنون کمتر در

ادبیات پژوهشی موجود مورد توجه قرار گرفته و بدین لحاظ، یکی از تمایزات کتاب «دادگاه ها و دادرسی تجاری در نظام قضایی ایران»، اولاً تبیین اصول و ملاحظات مجازات گذاری ناظر بر تشکیل و عملیات دادگاه های تجاری و ثانیاً تشریح بایسته ها و مدل مطلوب دادگاه های تجاری است.

بررسی ادبیات حقوقی موجود حاکی از ایراد انتقادات مختلفی به تخصص گرایی قضایی است. با این حال می‌توان با شناسایی برخی اصول و ملاحظات سیاست گذاری در خصوص راه اندازی و عملیات دادگاه های تجاری، از نتایج

تاریخ تحقق ارث زمان فوت است. اگرچه استقرار مالکیت وراثت منوط به تصفیه است. وجه مشترک وصیت و ارث، زمان تحقق آن‌ها یعنی فوت است. تاریخ تحقق ارث زمان فوت است. اگرچه استقرار مالکیت وراثت منوط به تصفیه است. مطابق ماده ۸۶۷ قانون مدنی، ارث بموت حقیقی یا بموت فرضی مَوَرِث تحقق پیدا میکند. همچنین برابر ماده ۸۶۸ قانون مذکور، مالکیت ورثه نسبت به تَرَکه متوفی مستقر نمی شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که بترکه میت تعلق گرفته.

ادامه در صفحه بعد

سه‌شنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۵۵

یادداشت حقوقی

نکته حقوقی

برخورد قانونی

با مراکز غیرمجاز سقط جنین

قسمت سوم

ماده ۵۹ قانون حمایت از خانواده

به موجب ماده ۵۹ این قانون، وزارت اطلاعات و سایر دستگاه‌های امنیتی مکلف هستند با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیروی انتظامی و سازمان‌های نظام پزشکی و پزشکی قانونی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، از طریق سامانه‌های موجود گزارش مردمی متخلفان فروش داروهای سقط، مشارکت در سقط غیرقانونی، تارنماها و بسترهای مجازی معرفی کننده مراکز و افراد مشارکت کننده در سقط، توصیه‌های کارکنان بهداشتی و درمانی خارج از ضوابط، عناصر ترویج دهنده سقط غیرقانونی را شناسایی و به عنوان ضابط قضائی، موارد را به مراجع قضایی اعلام کنند.

ماده ۶۰ قانون حمایت از خانواده

طبق ماده ۶۰ قانون مذکور، فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی کننده افراد و مراکز مشارکت کننده در سقط غیرقانونی جنین ممنوع است و حسب مورد متخلفان از این حکم علاوه بر مجازات تعزیری درجه پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عوائد حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌شوند.

ماده ۶۱ قانون حمایت از خانواده

به موجب ماده ۶۱، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت: ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین به قصد نتیجه یا علم به تحقق آن، به گونه‌ای که موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی جنین‌ها یا مادران در حد وسیع شود، مشمول حکم ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود.

تکالیف دادستانی‌های مراکز استان‌ها در برخورد

با مراکز غیرمجاز سقط جنین طبق بخشنامه دادستان کل کشور چیست؟

دادستان کل کشور در راستای اجرای قوانین مربوط به برخورد قانونی با مراکز غیرمجاز سقط جنین در بخشنامه صادره تکالیف زیر را برای دادستانی‌های مراکز استان‌ها مشخص کرده است:

الف) تعیین قاضی مجرب و شعبه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرایم سقط جنین

طبق بخشنامه صادره، تعیین قاضی مجرب و شعبه‌های اختصاصی برای رسیدگی به جرایم سقط جنین در دادسرای مرکز استان و شهرستان‌هایی که بیشترین فراوانی وقوع جرایم سقط جنین در آن گزارش شده برای رسیدگی دقیق و تمرکز بررسی پرونده‌های مرتبط از جمله اقداماتی است که بر انجام آن از سوی دادسراهای استان تاکید شده است.

ب) جلوگیری از ادامه فعالیت غیرمجاز مراکز سقط جنین جلوگیری از ادامه فعالیت غیرمجاز مراکز سقط جنین در چارچوب قانون، در صورتی که فعالیت‌های آن‌ها در اماکن و مراکز سقط جنین غیرقانونی، طبق گزارش ضابطین قضایی یا بازرسان وزارت بهداشت، احراز شده باشد، از دیگر موضوعات مورد تاکید این بخشنامه است. ادامه در صفحه ۳

انواع اقامتگاه در قانون

دیگر، بدون رضایت شخص نمی‌توان اقامتگاه اختیاری وی را تغییر داد. (مستنبط از اصل ۳۳ قانون اساسی). اقامتگاه اجباری: اقامتگاهی است که قانون با توجه به شرایط برخی اشخاص به لحاظ شغل و مقام و یا وابستگی آنان به دیگری، به اجبار تعیین میکند و اراده فرد در آن نقشی ندارد. مثل اقامتگاه زن شوهر دار (م. ۱۰۰۵)، محجور (م. ۱۰۰۶)، مامورین دولتی (م. ۱۰۰۷)، افراد نظامی (م. ۱۰۰۸)، و خدمه (م. ۱۰۰۹). اقامتگاه انتخابی یا قراردادی: اقامتگاهی است که طرفین معامله برای اجرای تعهدات قراردادی یا دعاوی ناشی از آن یا ابلاغ اوراق دادرسی مربوطه انتخاب می‌کنند و تنها در مورد قرارداد مربوطه و یا همان دعوی خاص، منشا اثر خواهد بود. ممکن است اقامتگاه قراردادی اشخاص، متعدد باشد.

اگر محل سکونت و مرکز مهم امور فرد، متفاوت باشد، مرکز مهم امور فرد، اقامتگاه وی محسوب میشود. هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد. ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی اشاره به اصل وحدت اقامتگاه دارد. مطابق ماده مذکور، هیچ کس نمیتواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

انواع اقامتگاه

۱- اقامتگاه بر ۳ نوع است:

الف) اختیاری یا ارادی: که شخص به اراده و اختیار خود، محلی را جهت سکونت و مرکز مهم امور خود انتخاب میکند، که اگر محل سکونت و مرکز مهم امور فرد، متفاوت باشد، مرکز مهم امور فرد، اقامتگاه وی محسوب میشود. از طرف

نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمندان در فرآیند دادرسی



دکتر امیر عزیزی
حقوقدان
و مدرس دانشگاه

و یکی از موارد مهم همین احقاق حق هست که عمدا یا سهوا مورد خدشه واقع می‌شود و مستلزم احیا حقوق از دست رفته ویا در حال تضییع باید بود که بخشی از این می‌بایست توسط شهروند پیگیری و بخشی هم توسط حاکمیت که در بحث عدالت در مقدمه علم حقوق شادروان دکتر کاتوزیان تصریح به این داشته که عدالت معوضی و عدالت توزیعی در فرآیند امورات اجتماعی حاکم است و طرفین قراردادهای اجتماعی و حاکمیت باید به آن توجه نمایند یکی از این حقوق و تامین زیر ساخت آن توجه به حقوق سالمندان است و معلولین اعم از سنی و جسمی و ذهنی که در قوانین مرتبط به آن تصریح شده است اما در عمل و اجرا کمتر رعایت شده است توسط مجریان انتظامی و اجرایی و قضائی که با بررسی در متون قانونی قانون مهارت‌های اسلامی و آیین دادرسی کیفری مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ و ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴ و ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱ و ۱۰۳۲ و ۱۰۳۳ و ۱۰۳۴ و ۱۰۳۵ و ۱۰۳۶ و ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ و ۱۰۴۰ و ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ و ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ و ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳ و ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵ و ۱۰۵۶ و ۱۰۵۷ و ۱۰۵۸ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ و ۱۰۶۱ و ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳ و ۱۰۶۴ و ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸ و ۱۰۶۹ و ۱۰۷۰ و ۱۰۷۱ و ۱۰۷۲ و ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ و ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶ و ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸ و ۱۰۹۹ و ۱۱۰۰ و ۱۱۰۱ و ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ و ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ و ۱۱۱۶ و ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ و ۱۱۲۰ و ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ و ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵ و ۱۱۲۶ و ۱۱۲۷ و ۱۱۲۸ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ و ۱۱۳۱ و ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ و ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۸ و ۱۱۳۹ و ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲ و ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ و ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ و ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰ و ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲ و ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴ و ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ و ۱۱۵۷ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ و ۱۱۶۲ و ۱۱۶۳ و ۱۱۶۴ و ۱۱۶۵ و ۱۱۶۶ و ۱۱۶۷ و ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ و ۱۱۷۲ و ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ و ۱۱۷۵ و ۱۱۷۶ و ۱۱۷۷ و ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ و ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲ و

دادگاه تجدید نظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدید نظر خواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدید نظر خواهی شاکي و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدید نظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.

امکان رجوع از هبه

انتقال عادی مال غیر منقول موهوبه توسط متب هب مانع حق رجوع واهب به عین موهوبه است.

رأی خلاصه جریان پرونده

پرو گزارش مورخ ۹۱/۵/۲۰ موضوع دادنامه ۱۲۳۹/۹۱ اصداری هیأت این شعبه در رابطه با دادنامه ۵۳۰۰۴۱۸/۹۱ صادره از شعبه پنجاه دادگاه عمومی مشهد در پرونده کار که در مقام فرجام خواهی از این رأی صادر شده است؛ و هیأت شعبه با تبیین دعوی مطروحه در پرونده که شامل اثبات رجوع نسبت به هبه و صدور حکم به صوری بودن معامله مورد ادعای وارد ثالث و اثبات عقد بیع مورخ ۸۸/۳/۱۹ و الزام به تنظیم سند رسمی بوده و دعوی ردیف‌های ۱ و ۲ از طرف خواهان آقای ح. غ. (فرجام خواه) مطرح شده و دعوی ردیف سوم در قالب ورود ثالث عنوان شده که برابر دادنامه بدوی مسود فرجامی دو دعوی مطروحه از سوی آقای ح. غ. غیر ثابت و مردود اعلام شده و دعوی مطروحه از سوی وارد ثالث منجر به قرار ردّ دعوی گردیده است. هیأت این شعبه ضمن اعلام نواقص موجود در دادخواست اصلی از حیث عدم تقویم خواسته و اینکه قبل از تقویم قابل فرجام خواهی بودن رأی مشخص نبوده است از طرفی دعوی اصلی دیگر نیز ارتباط با دعوی اثبات هبه داشته لذا مستندا به مواد ۳۷۰ و ۴۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی با نقض دادنامه فرجامی پرونده را جهت رسیدگی قانونی به دادگاه صادرکننده رأی منقوض ارسال داشته است تا پس از رفع نقض موردنظر رسیدگی و اظهارنظر فرمایند. با وصول پرونده به دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۹۱/۱۰/۲ پرونده را ملاحظه و با اشاره به برگ ۹ پرونده اعلام نموده است تردیدی در تقویم خواسته نبوده، چون الصاق تمبر قانونی و تقویم صحیحا صورت گرفته و مدیر دفتر نیز به غفلت خود اذعان نموده است لذا پرونده را با توجه به رفع نقایص موردنظر به دیوان عالی کشور ارسال داشته است (برگ ۱۳۶ پرونده) و پرونده به نظر هیأت این شعبه رسیده است که گزارش ۹۱/۱۲/۹ پرونده توسط عضو ممیز تنظیم و هیأت این شعبه طی رأی ۱۸۲۱/۹۱ چنین انشاء نظر نموده است «در تاریخ ۹۱/۱۲/۹ پرونده تحت نظر قرار گرفت گزارش پرونده همان است که در تاریخ ۹۱/۸/۳۰ توسط عضو ممیز شعبه ۸ دیوان عالی کشور منعکس شده است و رأی ۵۳۰۰۴۱۸ شعبه ۵۰ دادگاه خانواده شهید مطهری مشهد صادرکننده رأی مذکور نقض گردیده که می‌بایستی پس از نقض ضمن رفع نقض رأی مجدد صادر نماید، چون رأی قبلی دادگاه محترم نقض شده صدور رأی مجدد از دادگاه مرجوع الیه الزامی بوده است ضمن اینکه دعوی اثبات رجوع به هبه به مبلغ دو میلیون تومان تقویم شده و قابلیت فرجام خواهی را با توجه به بند ۱ از ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی نداشته است لذا جهت اقدام قانونی پرونده عینا به دادگاه محترم مذکور اعاده شده است دادگاه با توجه به لایحه‌ای که وکیل خواهان بدوی پرونده اصلی تقدیم نموده و گفته است دعوی اثبات رجوع به هبه ۲۰/۰۰/۰۰۱ ریال تقدیم گردیده است لذا قابلیت فرجام خواهی داشته در تاریخ ۹۲/۲/۲۶ با اعلام ختم دادرسی به شرح دادنامه ۵۳۰۰۲۴۱/۹۲ ضمن مقدمه‌ای که از خواسته‌ها در سه فقره دادخواست تقدیمی که توأمأ مورد رسیدگی قرار گرفته است خلاصه ادعای خواهان‌ها در مورد دعوی آقای ح. غ؛ که ابطال هبه یک واحد آپارتمان به طرفیت خانم ک. به لحاظ رجوع از هبه اقامه گردیده است، ولی متب مدعی است این ملک را قبل از رجوع واهب به برادرش واگذار نموده است به دلیل صوری بودن این واگذاری باید قرارداد مورد ادعا باطل شود ماحصل دفاع خانم ک؛ و وارد ثالث این است که معامله صوری نیست دلیل آن هم کارسازی شدن چک مندرج در متن قرارداد است که تاریخ آن قبل از تاریخ رجوع آقای غ. از هبه است دادگاه نظیر به اینکه ۱ - برای دادگاه محرز است که قرارداد ۸۸/۳/۱۹ بین خانم ک؛ و برادرش م. منعقدشده است یعنی نهاد حقوقی عقد صرف نظر از ماهیت آنکه بیع است و یا معاوضه در تاریخ ۸۸/۳/۱۹ محقق شده است، زیرا اولاً؛ وکیل آقای غ. در این قسمت دفاع عمده‌ای نداشته بلکه صرفا به صوری بودن قرارداد با تعبیری که در توضیحات وی منعکس است استناد نموده حتی برابر صورت مجلس مورخ ۹۱/۴/۷ دادگاه وقوع عقد در تاریخ مورد ادعای طرف مقابل را محتمل دانسته لکن دفاع نموده اند که در معامله اساساً به لحاظ صوری بودن آن فاقد اثر است لذا تاریخ

آن در موضوع مؤثر نیست ثانیاً؛ برابر پاسخ مورخ ۹۱/۴/۷ بانک ر. مشهد با استعلام دادگاه چک مندرج در قرارداد مورد ادعای خانم و آقای ک. در تاریخ ۸۸/۳/۲۱ یعنی دو روز پس از انعقاد قرارداد و مدت‌ها قبل از تاریخ رجوع آقای غ. کارسازی شده است و در متن چک نیز که روگرفت آن پیوست پرونده می‌باشد صریحا قیدشده است بابت قرارداد مورخ ۸۸/۳/۱۹ لذا تردیدی در اصل وقوع قرارداد وجود ندارد ۲ - برابر ماده ۲۱۸ قانون مدنی معامله صوری به قصد فرار از دین باطل است لکن در مانحن فیه هیچ یک از این دو امر احراز نگردیده است، زیرا اولاً؛ دینی در کار نبوده است تا به قصد فرار از آن معامله انجام شده باشد ثانیاً؛ معامله انجام شده بین آقا و خانم ک. اگر هم به دلیل ایجاد مانع جهت رجوع واهب نیز انجام شده باشد نمی‌توان آن را صوری دانست بلکه این گونه معاملات ممکن است به جهت تثبیت مالکیت انجام شود که عقدی شروع است و به هیچ روی از مصادیق معاملات صوری نیست، زیرا در آن شرایط عمومی قراردادها از جمله قصد وجود دارد و جهت آن هم با فرض اینکه تثبیت مالکیت باشد نیز جهت نامشروعی نیست ۳ - گرچه معاملات انجام شده بین آقای ک؛ و خانم ک. با سند عادی انجام شده است مع ذلک حتی به عقیده آن دسته از حقوقدانان که تنظیم سند رسمی در معاملات راجع به اموال غیرمنقول را لازم می‌دانند نیز انتقال به نحو عادی مانع رجوع واهب خواهد بود، زیرا برابر بند ۳ ماده ۸۰۳ قانون مدنی چنانچه عینی موهوم متعلق حق غیر نشود نیز امکان رجوع واهب وجود ندارد و نباید تردید کرد که در معامله عادی راجع به مال غیرمنقول نیز به هر جهتی حقی برای خریدار ایجاد می‌شود ۴ - در مورد دعوی وارد ثالث که با استرداد آن در قسمت الزام به تنظیم سند منحصر به اثبات وقوع عقد بیع شده است به نظر دادگاه با عنایت به نحوه تنظیم ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی امکان طرح دعوی مستقل برای وارد ثالث پیش بینی نشده است، زیرا در این ماده تصریح شده هرگاه شخص ثالثی در مورد دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلا حقی قائل باشد»

لذا طرح دعوی جدید خروج موضوعی از مورد دادرسی اصحاب دعوی خواهد بود در قسمت الزام به تنظیم سند دعوی ورود ثالث به لحاظ مسترد شدن دعوی مستندا به بند ب ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی و در قسمت دیگر دعوی ورود ثالث (اثبات بیع) به لحاظ عدم انطباق دادخواست با ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و مستندا به مفهوم این ماده و نیز ماده ۲ همان قانون قرار ردّ دعوی و ردّ ثالث صادر می‌شود و در مورد دو دعوی اصلی نیز به دلایل ذکرشده، دعوی غیر صحیح و بی دلیل تشخیص مستندا به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ حکم به بی حقی و بطلان دعوی مطروحه صادر و اعلام می‌شود این رأی قابل تجدیدنظر اعلام شده است که آقای ح. غ. با وکالت آقای س. ک. از این رأی فرجام خواهی نموده است که هنگام شور لایحه فرجامی او با گزارش پرونده قرائت می‌شود.

هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای عبدالعلی ناصح عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

رأی شعبه دیوان عالی کشور

فرجام خواهی آقای ح. غ. با وکالت آقای س. ک. وکیل پایه یک دادگستری نسبت به دادنامه ۵۳۰۰۲۴۱/۹۲ صادره از شعبه ۵۰ دادگاه عمومی حقوقی مشهد «با توجه به استدلال دادگاه محترم در رأی که انتقال عادی مال غیرمنقول موهوبه توسط متب هب را نیز مانع حق رجوع واهب به مالکیت سابق او دانسته است و این رأی از حیث انطباق با موازین شرعی و قانونی موجهاً اصدار یافته است، چون منطبق با بند ۳ موارد ذیل ماده ۸۰۳ قانون مدنی بوده است» وارد نیست، زیرا در حال حاضر مالکیت آن متعلق به منتقل الیه است و موجهی جهت اعمال رجوع مشاّر الیه موجود نبوده است انتقالات بعدی ملک به ثالث درهرصورت مؤثر در عدم استحقاق فرجام خواه در ادعا مطروحه خواهد بود بنابراین موجهی جهت نقض رأی به نظر نمی‌رسد از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز بر رسیدگی‌های معموله خدشهای که موجبات نقض رأی را فراهم سازد وارد نیست مستندا به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی رأی فرجام خواسته ابرام می‌گردد.

یادداشت حقوقی

مسئولیت رانندگی فاقدگواهینامه



سمیه ساریخانی
وکیل پایه یک دادگستری

سوال:
چنانچه مالک و دارنده وسیله نقلیه با علم به اینکه فرزندش فاقد گواهینامه رانندگی است، خودرو را در اختیار وی قرار دهد و خود در وسیله نقلیه حضور یابد و تصادف و ایراد خسارت مالی به خودروی شخص ثالث رخ بدهد، آیا مالک در جبران خسارت وارده، با راننده مسئولیت تضامنی دارد؟

پاسخ:

چنانچه مالک با حضور در خودرو، رانندگی خودرو را در اختیار فرزند خود قرار داده است، با عنایت به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، چنانچه فرزند وی صغیر باشد، مسئولیت جبران خسارت متوجه پدر (مالک) می‌باشد و در صورتی که فرزند صغیر نباشد، مسئولیت متوجه فرزند است در ضمن، عموماً حاکم بر قانون بیمه اجباری و جبران خسارت وارده ناشی از حوادث رانندگی نیز مجرا خواهد بود.

یادداشت حقوقی

رد مال مسروقه



محمد رضا صفاقی
حقوقدان

سوال:
در زمانی که عین محکوم‌به موجود باشد ولی محکوم‌علیه بر هر دلیلی از دادن عین آن استتکاف ورزد به طور مثال محکوم‌به خودرو است و محکوم‌علیه از دادن خودرو استتکاف می‌نماید و به طور مثال آن را پنهان نموده است آیا می‌شود محکوم‌علیه را بابت استرداد عین مال به زندان معرفی کرد و با اینکه باید خودرو مثل آن کارشناسی قیمت‌گذاری شود و محکوم‌علیه بابت قیمت آن به زندان معرفی گردد.

پاسخ:

با عنایت به ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴ در صورتی که محکوم‌به عین معین باشد باید عین محکوم‌به از محکوم‌علیه اخذ و به محکوم‌له تحویل شود و به موجب تبصره ماده ۲ قانون اخیرالذکر مرجع اجراکننده در صورت تقاضای محکوم‌له مکلف به شناسایی و تحویل عین معین می‌باشد. بنابراین و با توجه به اینکه محکوم‌له نسبت به عین معین حق عینی دارد تا زمانی که عین معین وجود دارد و امکان دسترسی به آن می‌باشد، باید عین به وی مسترد گردد و صرف استتکاف محکوم‌علیه موجب زایل شدن حق عینی محکوم‌علیه نیست اما اگر احراز گردد عین معین تلف شده یا به آن دسترسی نیست، با استفاده از ملاک ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه قیمت اموال مزبور را در صورت عدم تراضی، از طریق کارشناسی تعیین و چنانچه محکوم‌علیه از پرداخت قیمت آنها امتناع کند، اعمال مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴، بلامانع خواهد بود.

دانشگاه

خانم قاضی!



هانیه پارسائیان
قاضی اجرای احکام
کیفری دادسرای
عمومی و انقلاب یزد

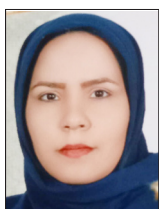
می‌دهم؛ دستگیره را به سمت پایین فشار می‌دهد. در باز نمی‌شود. خب طبیعی است. چون در قفل است. چندبار دستگیره را بالا و پایین می‌کند. نگاهی پر سوال به من می‌اندازد. انگاری در قفله. نه؟اره. قفله! نگاه پرسوالش را که می‌بینم، لبخندی از سر بدجنسی می‌زنم و می‌گویم: در قفله. این درب ورودی سالنه و من کلیدها را با خودم نیاوردم. و البته قاضی شعبه منم. اگه مشکلی با این موضوع نداری نامت رو بیا امضا کنم. اگر هم اصرار بر مرد بودن قاضی شعبه داری می‌تونم بری و ارجاع نامت رو عوض کنی. چند دقیقه‌ای طول می‌کشد تا حرف هانیه را هجی کند. یک مرتبه انگار برق ۲۲۰ ولت وصلش کرده باشند، سرخ شده می‌گوید: ببخشید خانم قاضی! من نمی‌دونستم قاضی خانم هم داریم. می‌خندم و دستم را برای گرفتن برگه‌ی معرفی‌نامه‌اش به سمتش می‌گیرم و می‌گویم: اشکالی نداره. کم کم عادت می‌کنی. نامه را امضا کرده؛ لبخندی از سر دوستی می‌زنم تا خیالش را راحت کنم، که ناراحت نشدم.

اما امروز و همه‌ی روزها به این فکر می‌کنم که من و همه‌ی همکاران بانویم، تمام تلاش خود را انجام داده ایم اما انطور که شایسته و بایسته است دیده نشده است، اما همیشه و همیشه مورد ناملایمات قرار گرفته‌ایم.

۱۰ مارس روز جهانی قضات زن، به همه‌ی همکاران محترم خانم، که در کار با سایر همکاران خود برابر، اما در اعطای سمت، مورد کم لطفی قرار می‌گیرند و بی ادعا برای خدمت به خلق تلاش می‌کنند؛ مبارک باد! خداقوت بانوجان!

دادداشت حقوقی

خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف



مهديه رعيثي
حقوقدان

قانون مربوط به مسئولیت مدنی را با تخصیص مواجه کرده است. ۲- به موجب بند «ب» ماده یک قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث رانندگی ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، خسارت مالی زیان‌هایی است که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود. لذا خسارت مربوط به کسر قیمت خودرو نیز نوعی خسارت مالی محسوب می‌شود؛ بویژه آن‌که، ماده ۲ قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشی از تصادفات رانندگی مصوب ۱۳۴۵ نیز کاردان‌های فنی راهنمایی و رانندگی و پلیس راه را به تعیین میزان خسارات وارده به وسیله نقلیه، اعم از هزینه تعمیر و کسر قیمتی که در نتیجه تصادف حاصل می‌شود، مکلف نموده است. هم‌چنین ماده ۲ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث رانندگی ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون را مکلف کرده است وسایل نقلیه خود را در قبال خسارات بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه به اشخاص ثالث وارد می‌شود، حداقل به میزان مندرج در ماده ۸ این قانون نزد شرکت بیمه‌ای بیمه کنند. لذا چنان‌چه خودروی شخص زیان‌دیده علاوه بر خسارات وارده به بدنه آن، بر اساس تأیید کارشناس متحمل افت قیمت عرفی ناشی از تصادف باشد، در این صورت از باب تسبیب، کاهش قیمت حاصله قابل مطالبه و فاقد اشکال است. ثانیاً، اطلاق عبارت «خسارت مالی» مذکور در تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ با لحاظ بند «ب» ماده یک این قانون، شامل «افت قیمت خودرو» نیز می‌شود و لذا محدودیت پرداخت خسارت مقرر در این تبصره شامل «افت قیمت خودرو» نیز می‌شود.

سوال:

شخصی با خودروی پراید و دارای بیمه نامه شخص ثالث با تعهدات مالی حداکثر یکصد میلیون ریال با خودرو ساناتفه برخورد نموده که موجب خسارت از ناحیه گلگیر خودروی ساناتفه می‌شود و کارشناس میزان خسارت را ۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین می‌نماید و شرکت بیمه خودروی مقصر حادثه میزان خسارت متناظر به گران‌ترین خودروی متعارف به زیان‌دیده می‌نماید و از پرداخت الباقی خسارت خودداری می‌نماید زیان دیده نسبت به مابقی خسارت چه اقدام قانونی انجام دهد؟ و آیا افت قیمت خودرو قابل مطالبه است

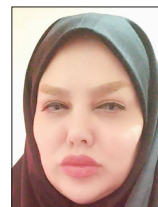
پاسخ:

به موجب تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود» و وفق تبصره ۴ ماده ۸ یادشده «منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود، باشد». بنابراین، صرف‌نظر از آن‌که ممکن است اطلاق حکم مقنن مبنی بر پرداخت «خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف» بویژه درباره مسئولیت مقصر حادثه قابل انتقاد باشد، اما حکم قانونی است که احتمالاً با هدف جلوگیری از تحمیل مسئولیت پرداخت خسارت بیش از حد انتظار (متعارف)، بویژه بر صاحبان خودروهای ارزان‌قیمت وضع شده است و مادام که به اعتبار و قوت خود باقی است، لازم‌الاجرا است و این حکم عموماً

دادداشت حقوقی

حوادث رانندگی

سوال:



زهرا رستمی
عضو مرکز وکلای
قوه قضائیه

مالک یک دستگاه تراکتور به علت روشن نشدن تراکتور، جهت هل‌دادن آن به خارج از پارکینگ از یک نفر درخواست کمک می‌نماید و مالک تراکتور به همراه همسر خود از طرف چرخ‌های عقب اقدام به هل‌دادن می‌نمایند؛ در حالی که شخص کمک‌کننده از چرخ‌های جلو که کوچک‌تر از چرخ‌های عقب می‌باشند، این اقدام را انجام می‌دهد. این موضوع در حالی است که کسی به عنوان راننده سوار بر تراکتور نمی‌باشد و هر سه نفر تراکتور را به شرح فوق به صورت خاموش هل می‌دهند. بر اثر این بی‌احتیاطی، شخصی که جهت کمک فراخوانده شده است (و در حال هل دادن از چرخ جلو می‌باشد و طبیعتاً بین چرخ جلو و عقب قرار دارد) بین چرخ عقب و دیوار گیر نموده و بر اثر فشاری که بر قفسه سینه وی وارد و باعث شکستگی دنده و در نتیجه پارگی قلب و ریه می‌شود، فوت می‌نماید. حال خواهشمند است اعلام فرمایید: ۱- موضوع مشمول ایراد صدمه غیر عمدی (شبه عمدی) بر اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی مسئول می‌باشد؛ مالک تراکتور یا همسر وی نیز که در هل‌دادن تراکتور نقش داشته است، دارای درجاتی از تقصیر می‌باشد؟ ۲- در صورتی که موضوع از شمول سوانح رانندگی خارج باشد، رسیدگی به موضوع در چه قالبی انجام می‌پذیرد و مسئول پرداخت دیه چه کسی است؟ با توجه به اینکه سه نفر در وقوع حادثه نقش داشته‌اند، تقسیم مسئولیت به چه نحوی می‌باشد؟

پاسخ:

با توجه به تعاریف «حوادث»، «شخص ثالث» و «وسيله نقلیه» که به ترتیب در بندهای «پ»، «ت» و «ث» ماده یک قانون بیمه اجباری خسارات واد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ بیان شده است و به ویژه اطلاق عبارت «هر گونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه» که در بند «پ» ماده پیش گفته آمده است، چنانچه پس از بررسی‌های لازم و کسب نظر متخصصین امر (کارشناس تصادفات) احراز شود وسیله نقلیه (تراکتور) در وقوع حادثه منجر به فوت مؤثر بوده است، چنین حادثه‌ای، حادثه ناشی از وسیله نقلیه محسوب می‌شود و در این حوادث، پرداخت خسارت بدنی (دیه) مشمول احکام مقرر در قانون پیش‌گفته است و حسب مورد توسط شرکت بیمه یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. ثانیاً، از آنجایی که مسئولیت ناشی از حوادث وسایل نقلیه موتوری بر عهده راننده می‌باشد، در فرض سؤال نیز مسئولیت جبران خسارت متوجه کسی است که باید نسبت به رانندگی اقدام و با قرارگرفتن پشت فرمان، کنترل تراکتور را بر عهده می‌گرفت؛ بنابراین انجام ندادن این وظیفه در لحظه تصادف و قرار نگرفتن وی پشت فرمان و عدم امکان کنترل تراکتور، نافی مسئولیت وی نیست، هم‌چنان‌که از موجبات کاهش مسئولیت وی و تقسیم مسئولیت بین او و دیگر کسانی که تراکتور را هل داده‌اند، نیز نخواهد بود.